

روز قوه قضائیه

بدون شك، يكي از مهم ترين شئون حكومت اسلامي، همانا برپاداشتن حق و اجراي احكام و حدود الهي است...

**اهمیت قوه قضائیه**

بدون شك، يكي از مهم ترين شئون حكومت اسلامي، همانا برپاداشتن حق و اجراي احكام و حدود الهي است. روشن است كه دستيابي به اين هدف ارزشمند، جز با وجود دستگاه قضايي مستقل، عدالت محور و مقتدر، ميسر نخواهد شد. به همين دليل است كه در اسلام، احكام قضايي و اجراي آن از اهميت ويژه اي برخوردار است؛ زيرا جان، مال، حيثيت و ناموس مردم، همه در گرو اجراي احكام و حدود قضايي قرار دارد و بار سنگين تامين امنيت جان ها، اموال، آبرو و عزت جامعه اسلامي، برعهده آن است.

قوه قضائیه، پناه گاه مردم

قوه قضائیه، ملجا و پناهگاه مردم ستمديده و ضعيف است. اين نهاد مقدس، از چنان اهميتي برخوردار است كه اگر مطابق موازين اسلامي رفتار كند، مي تواند گره گشاي بسياري از مشكلات کشور باشد. بديهي است كه اين امر در صورتي تحقق خواهد يافت كه مردم خود را از گزند هر گونه تجاوز، و آسيب هر نوع تعدي در امان ببينند و احساس آرامش و امنيت كنند.

سودمندی های اجرای احكام جزايي اسلام

بي گمان، همان طور كه گاه پزشك براي نجات جان يك انسان، جز قطع كردن عضو يا اعضاي فاسد و غيرقابل ترميم بدن وي چاره اي ندارد و اين كار وي، عين رحمت و شفقت بر بيمار محسوب مي شود، اجراي حدود، قصاص، تعزيرات، ديات كه گاه با از ميان برداشتن مفسدان و تبهكاران غيرقابل اصلاح از صحنه اجتماع همراه است، هم براي تربيت و اصلاح خود منحرفان سودمند و ضروري است و هم براي اصلاح بيكره جامعه لازم است؛ زيرا از اين رهگذر، ريشه بيدادگري ها، دزدي ها و بي عفتي هاي خانمان سوز از کشور كنده مي شود و صحنه جامعه اسلامي، از لوث عناصر پليد و منحرف پاك سازي و تطهيرمي گردد.

قوه قضائیه و تربيت الهي انسان

از آن جايي كه هدف اصيل حكومت اسلامي، همانا تربيت الهي انسان و جامعه بشري است نظام قضايي اسلام، درصدد است تا از رهگذر اجراي حدود الهي، نقش تربيتي خويش را ايفا نمايد. بر همين اساس است كه حضرت امام خميني (ره)، بينانگذار اين بنيان رفيع و مستحکم، از زندان، به عنوان تربيت گاه ياد مي كند و به متصديان امور زندان ها چنين توصيه مي فرمايد:
#171« زندان ها را به يك مدرسه آموزش و تربيت اخلاقي مبدل كنيد تا منحرفان و گناهكاران، شيريني عدالت اسلامي را بچشند و به اسلام و نظام اسلامي روي آورند و بازگشت به اسلام و خدای متعال نمايند كه باب رحمت گناهكاران را بهتر جذب مي كند، حتي آن كس كه مستحقق حدود الهي است. بايد از عظوفت ماموران تا پاي دار و محل مجازات برخوردار باشند.» (صحيفه نور، ج 18، ص 237)

قوه قضائیه در خدمت مردم

قوه قضائیه، همواره در خدمت مردم است و امنيت و آرامش را در جامعه با اجراي دقيق احكام اسلامي تضمين مي كند. اين نهاد مي كوشد به گونه اي عمل كند كه مردم آن را در دادخواهي ها و اجراي عدالت و حدود اسلامي پشتيبان خود بدانند. قوه قضائیه با تلاش در راه اجراي عدالت و پياده كردن احكام اسلامي در جامعه، مي كوشد تا در راه اهداف عالي نظام اسلامي ايران گام بردارد.

سفارشات امام علي (ع)

امام علي (ع) اسوه عدالت و جوانمردي است. سفارشات آن حضرت به مالك اشتر درباره امور مربوط به قاضي و قضاوت، راه گشاي بسياري از مشكلات كنوني است. آن حضرت در اين باره چنين توصيه مي كند:

171#& سپس از میان مردم. برترین فرد را در نزد خود برای قضاوت برگزین. از کسانی که مراجعه فراوان مردم آنان را در تنگنا قرار دهد و برخورد مخالفان با یکدیگر، او را به خشم و کج خلقی وادارد. (کسی که) در استباهاتش پافشاری نکند و در صورت روشن شدن حق، بازگشت به حق برایش سخت نباشد. طمع را از دل بیرون کرده باشد و در فهم مطالب به تحقیق اندک اکتفا نکند. با مراجعه مکرر شاکیان کمتر خسته شود و در کشف امور شکیباتر و به هنگام آشکار شدن حق، در خاتمه بخشی به خصومت از همه قاطع تر باشد.» (نهج البلاغه. صبحی صالح، ص 434)

رعایت الگویی علوی در قوه قضائیه
اساس و پایه قضاوت اسلامی، اجرای عدالت و گرفتن حق مظلوم از ظالم است؛ یعنی در نظام قضایی اسلام تقویت ضعیف و سرکوب ظالم از اهمیت خاصی برخوردار است. چنانچه اساس قضاوت علوی را نیز همین امر تشکیل می داد. سیره آن حضرت در دوران حکومت عدالت گسترش، اجرای احکام الهی، گرفتن حق مظلوم از ظالم و از بین بردن ستم ستمکاران بود. آن حضرت در این باره می فرمود:

171#& سوگند به خدا، من دست ستمگر را از سر ستمکش برمی دارم و از روی عدل و انصاف حکم می کنم و با هر موقعیتی که دارد، او را کشان کشان به سوی حق و عدالت می کشانم.» (نهج البلاغه، خطبه، 136)

قوه قضائیه و مبارزه با آفات و منکرات اجتماعی
جامعه ما امروز تشنه قضاوت علوی و اجرای دقیق قانون اسلامی است. فقر، فساد و تبعیض، سه بیماری جانکاه جامعه است که نظام اسلامی و حکومت دینی را تهدید می کند. بنابراین، بی تفاوتی در مورد افزایش فقر و تبعیض اجتماعی، هم زیستی با دیو اعتیاد و فساد اخلاقی، پذیرش رشوه خواری، خودباختگی در برابر فرهنگ و ارزشهای غربی و عدم مقابله همگانی با این آفت خطرناک اجتماعی، تداوم حکومت اسلامی و نظام علوی را با خطر روبرو می سازد.

بنابراین، قوه قضائیه در کنار دیگر نهادها وظیفه دارد که با این آفات و منکرات اجتماعی با جدیت تمام مبارزه نموده، جوانان را از سقوط در دام این بلاها مصون دارد. حضرت امام (ره) در این باره می فرماید: 171#& قوه قضائیه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی، و در حقیقت بار سنگین تامین امنیت را به عهده دارد، باید جلوی تخریب، و جنایات و اشاعه فحشا و منکرات و دزدی ها و قتل ها و مواد مخدر را بگیرد.» (قضا و قضاوت در اندیشه امام خمینی، ص 19)

قوه قضائیه و سیستم نظارتی
امام علی (ع) تندیس عدالت در عرصه داوری و قضاوت در میان مسلمانان است. حتی دشمنان به عدالت وی اعتراف کرده و او را مظهر عدالت خواهی لقب داده اند. (ر.ک: امام علی صدای عدالت) سیستم نظارتی آن حضرت بر قاضیان از اهتمام ویژه ایشان به عدالت و داوری صحیح در میان مردم حکایت دارد.

اینکه که قوه قضائیه جمهوری اسلامی، ادامه دهنده سیاست گذاری های آن امام همام است، باید همان سیستم را در دستگاه قضایی احیا و تطبیق نماید؛ زیرا تنها در این صورت است که ناامنی و کجروی ها و انحرافات از جامعه رخت برخواهد بست و به جای آن، عدالت و امنیت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در کشور تضمین خواهد شد.

اهمیت قوه قضائیه در قانون اساسی
قوه قضائیه، در همه کشورهایی که اصل جدایی قوا را پذیرفته اند، از اقتدار خاصی برخوردار است، ولی اسلام علاوه بر اقتدار، ویژگی های معنوی هم برای قضاوت قائل است. بدین سبب، قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز اقتدار و معنویت را یک جا برای این قوه منظور داشته است.

قانون اساسی، قوه قضائیه را مسئول تحقق عدالت اجتماعی و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی دانسته، حضور این قوه را در درون کشور اسلامی به منظور پیش گیری از انحرافات امری حیاتی تلقی کرده است. قانون اساسی افزون بر این که رسیدگی و حکم در مورد شکایت های همگان را در انحصار این قوه قرار داده، وظایف سنگین دیگری برای قوه قضائیه قائل شده است: احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع. نظارت بر حسن اجرای قوانین و پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرم، بخشی از وظایف قوه قضائیه شناخته شده، و اصل 156 به آن تصریح کرده است. (جلال الدین فارسی، فرهنگ واژه های انقلاب، ص 635)

اهمیت قوه قضائیه در نگاه امام خمینی (ره)
حضرت امام خمینی (ره) دستگاه قضایی را بسیار با اهمیت تلقی کرده، حیثیت کشور و مردم را در گرو آن دانسته اند. ایشان در این باره می فرماید:

171#& در دست قوه قضائیه همه چیز است، جان مردم است، مال مردم است. نوامیس مردم است، همه در تحت سیطره قوه قضائیه است و قاضی اگر چنانچه خدای نخواستہ نالایق باشد، ناصحیح باشد، این در اعراض و نفوس مردم سلطه پیدا بکند، معلوم است که چه خواهد شد.»

(کلمات قصار امام خمینی، ص 137)

نظارت بر حسن اجرای قوانین

یکی از وظایف قوه قضائیه، نظارت بر حسن اجرای قوانین است، (فرهنگ واژه های انقلابی، ص 642) قانون اساسی، نظارت بر حسن اجرای قوانین را به قوه قضائیه واگذار کرده تا رئیس این قوه، از طریق تشکیلات لازم و با تهیه لوایح متناسب، انجام این وظیفه پر مسئولیت را سر و سامان ببخشد. او می تواند از ابزار مهمی که قانون اساسی برای نظارت بر حسن اجرای قوانین در اختیارش گذاشته، کاملاً استفاده کند و ناهنجاری ها را به خوبی شناسایی و معالجه نماید.

وظایف قوه قضائیه :

- 1- رسیدگی بر صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، که از طریق تشکیلاتی به نام «« دادگستری » انجام می گیرد.
- 2- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی مشروع
- 3- نظارت بر حسن اجرای قوانین که در محاکم بر عهده دیوان عالی کشور و در ادارات بر عهده سازمان بازرسی کل کشور نهاده شده است.
- 4- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

- تشکیلات قوه قضائیه :

- 1- رئیس قوه قضائیه که انتخاب آن از اختیارات مقام معظم رهبری است که برای مدت پنج سال با شرایط زیر انتخاب می شود: مجتهد عادل - آگاه به امور قضایی - مدیر و مدبر.
 - 2- محاکم و دادسراها
 - 3- وزیر دادگستری
 - 4- قضاوت «« دادرسان »
 - 5 - دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور
-

معرفی کتاب : «« توجیه و نقد رویه قضایی »

ناصر کاتوزیان / انتشارات دادگستر/ چاپ اول 1377

- کتاب «« توجیه و نقد رویه قضایی » اثر دکتر ناصر کاتوزیان حقوقدان برجسته معاصر که در سال 1377 چاپ اول آن به طبع آراسته شده است، می کوشد تا «« رویه قضایی » را که از منظر او «« آشکارترین محل جلوه عدالت قانونی است » توجیه و نقد کند. وی با آوردن 40 نمونه از دعاوی مطرح شده در دادگاههای مختلف کشور میزان نقش و تأثیر رویه های مختلف قضایی را نشان داده است. وی توضیح داده است که در هر دادگستری، دادرسان در اجرای حکم تنها به قوانین مکتوب توجه ندارند بلکه در این میان گوش به ندای اخلاق و عدالت دارند و به زمزمه دل و حکم عقل پاسخ می دهند.

- از منظر وی دادرس برای اجرای یک حکم عادلانه نباید تنها به قانون نوشته شده اکتفا کند «« چون تجربه و مشاهده نشان می دهد که مجموعه قوانین تنها بخش ناچیزی از واقعیت های زندگی را در بر می گیرد و درباره آنها حکمی صریح دارد. بخش عمده تر یا قانونی ندارد یا حکم مربوط به آن مجمل و غیر صریح و ناراسا است. در همین بخش است که «« رویه قضایی » نقشی سازنده دارد، و به عنوان تکمیل کننده و گاه رهبر نظام حقوقی جلوه می کند». لذا با استفاده از منابع دیگر صدور حکم، همچون دل و عقل «« به انتخاب و گاه ابداع قانون حاکم بر دعوی است می زند « پس «« آنچه که به قلم دادگاه جاری می شود، در واقع ترکیبی از اخلاق، عدالت، قانون است که در کارگاه وجدان او به هم آمیخته و انگیزه صدور حکم شده است. در این امتزاج روانی، عوامل گوناگون سیاسی و مذهبی و اخلاقی و تاریخی مؤثر است که نادیده گرفتن آنها و تکیه به قانون، به عنوان تنها منبع حقوق و حکم قابل اجرا در دعوی، به معنی نادیده گرفتن بخشی از واقعیت است» .

- آنچه که کتاب در پی آن است فهم این نکته مهم و اساسی است که ما برای اداره هر کشور تنها به قوانین موضوعه اعتیاری توجه نمی کنیم بلکه به یاری مجموعه ای از عوامل مؤثر در زندگی آدمیان از قبیل اخلاق، دل، عقل، اصول کلی حقوقی، و در اداره اجتماع و هدایت آن توجه داریم لذا در حوزه قضاوت نیز باید مفهوم «« رویه قضایی » و تأثیر آن در روند حکم را از منابع مهم حقوقی دانست و با نقد و توجیه آن و افزودن پاره های دیگر به آن با استفاده از منابع مذکور در رسیدن به حکم عادلانه کوشش کرد.

- در ادامه کتاب مؤلف با آوردن نمونه های گوناگون احکام قضایی پس از توجیه احکام صادره، در پاره ای از موارد به نقد آنان پرداخته است و در این میان نقش و تأثیر رویه های مختلف قضایی را در صدور حکم بیش از پیش برای خوانندگان مشخص نموده است. مطالعه این اثر گامی مهم در فهم حقوق فردی و اجتماعی ماست.

آغاز قیام ستارخان در سال 1287 هجری شمسی

قیام ستارخان سردار ملی علیه استبداد محمد علیشاه و خاندان سلطنتی در سال 1287 هجری شمسی آغاز شد. مردم تبریز در این قیام شرکت فعال داشتند و در کنار ستارخان مجاهدتهای بسیار کردند. ستارخان همچنین رهبری مجاهدینی را به عهده داشت که با عین الدوله به مبارزه برخاسته بودند. وی در این قیام عزم و ایمان بسیار از خود نشان داد و پس از فتح تهران و خلع ید محمد علیشاه

با پیروزی وارد تهران شد و قوای استبدادی شاه قاجار را مضمحل نمود .